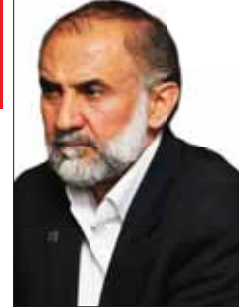




قیامت در آینه قرآن و روایات

مراحل و حوادث قیامت
دکتر سید محسن میرباقری



اشاره

در مقاله پیشین به موضوع «برزخ»، که سومین مرحله از مراحل وجودی انسان است و انسان پس از زندگی دنیا با آن روبه‌رو می‌شود، پرداختیم. همچنین، دلیل نام‌گذاری این دوران به برزخ و تشابه آن با دوران خواب را بیان کردیم. در پایان به دو موضوع درباره تاریخ برپایی قیامت، براساس احساس انسان‌ها در آن روز و زمان برزخ، اشاره کردیم. در این مقاله و مقاله آینده، مرحله پس از حیات برزخ را، که همان حادثه قیامت است، براساس آیات قرآن و روایات بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، انسان، قیامت، صور، عدل الهی
êêê

چهارمین دوره وجودی انسان دوران آخرت است که با واقعه قیامت آغاز می‌شود؛ حادثه‌ای که هیچ دروغ و خلافی در آن نیست و پایان دوران دنیا با آغاز آن هم‌زمان است.

قیامت

مراحل قیامت

قرآن کریم دوران قیامت را شامل دو مرحله می‌داند:

مرحله نخست

مرحله نخست پایان دوران زندگی دنیاست. در این مرحله، حیات از کره زمین برچیده می‌شود و با شروع این حادثه، مدرسه و کلاس درس کنونی به پایان می‌رسد، شیپور خواب را می‌نوازند و همگان مدهوش می‌شوند. انسان‌های نسل آخر همه به خواب مرگ فرو می‌روند و همه چیز تعطیل می‌شود.

مرحله دوم

حیات دوباره همگانی و برپا شدن صحنه حساب‌رسی و دادگاه عدل الهی است. در این مرحله همگان از خواب مرگ برمی‌خیزند و صحنه رستاخیز را می‌نگرند. پرونده اعمال افراد بدان‌ها ارائه می‌شود و خداوند در میان بنندگان داوری می‌کند و سرانجام سرنوشت انسان‌ها رقم می‌خورد.

قرآن کریم، این دو مرحله را در کنار یکدیگر و به گونه‌ای آمیخته بیان می‌کند. به این ترتیب که نخست مرحله اول را بیان می‌کند و سپس به سراغ مرحله دوم می‌رود. برای مثال، در سوره قارعه می‌فرماید: «القارعه* ما القارعه* و ما ادراک ما القارعه* یوم یكون الناس كالفرش المبثوث* و تكون الجبال كالعهن المنفوش» (قارعه/۵-۱): کوبنده، چیست آن کوبنده؟ چه دانی که کوبنده چیست؟ آن روز که مردم مانند پروانه‌های سرگردان و پراکنده باشند و کوه‌ها همچون پشم زده شده.

این آیات درباره مرحله اول است. در ادامه این آیات، بلافاصله به نکاتی از مرحله دوم اشاره شده است:

«فاما من ثقلت موازینه* فهو فی عیشه راضیه» (قارعه/۷-۶): کسانی که پرونده اعمالشان پربار و سنگین باشد، آنان در زندگی خشنودی به سر خواهند برد.

این اسم‌گذاری را در موارد گوناگون دیگر نیز می‌توان یافت. برای نمونه، در سوره‌های نبأ (۲۰-۱۸)، واقعه (۱۱-۱)، تکویر (۱۴-۱)،

یس (۵۴- ۴۹) و زمر (۷۵- ۶۷) نیز به این موضوع اشاره شده است.

در این نوشتار، با یاری خدای رحمان، حوادث و جریانات این دو مرحله را بیان و نکات قرآنی و تکیه‌گاه‌های قرآن کریم را در این مباحث بررسی می‌کنیم، ولی پیش از ورود به شرح حوادث قیامت کبری، طرح یک سؤال و ارائه پاسخ آن لازم است و آن اینکه موضوع قیامت به کدام بخش از عالم مربوط است؛ به بیان دیگر، حوزه مسائل مربوط به قیامت چیست و دامنه این حادثه تا کجاست؟

دامنه حوادث قیامت

آنچه از قرآن کریم و روایات اسلامی در این زمینه برمی‌آید، این است که این حادثه به زمین و اطراف آن- در حدود منظومه شمسی- مربوط می‌شود، نه کل کائنات. البته بنا به تصور گذشتگان، که بر مبنای هیئت بطلمیوس، زمین را مرکز عالم می‌دانستند، چون مرکز عالم دستخوش دگرگونی‌های بزرگ می‌شود، بنابراین، همه عالم نیز باید دگرگون شود. ولی در حال حاضر، که می‌دانیم مسئله مرکزیت زمین درست نیست، بلکه زمین در برابر کائنات چون دانه کنجی روی اقیانوس است، دلیلی ندارد که تصور کنیم خدای رحمان، به خاطر قیامت زمینیان، میلیاردها منظومه را در هم بریزد. با این همه، اگر قرآن کریم به این مسئله اشاره می‌کرد، ما می‌پذیرفتیم که در حادثه قیامت کل کائنات دگرگون می‌گردند، اما هرگز چنین چیزی در قرآن نیامده، بلکه قرآن به عکس این مسئله اشاره کرده است. قرائن بسیاری در قرآن کریم وجود دارند که از بقای زمین در قیامت حکایت می‌کنند. از جمله آن‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) خروج انسان‌ها از زمین

قرآن کریم در سوره مبارکه اعراف، پس از بیان داستان حضرت آدم(ع) و فرمان ربوبی به او و ذریه‌اش مبنی بر هبوط به زمین، می‌فرماید: «قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین» (اعراف/ ۲۴): پروردگار بزرگ به آنان فرمود: «به سوی زمین فرود آید، با دشمنی که نسبت به یکدیگر خواهید داشت؛ برای شما

در عرصه زمین قرارگاهی است به همراه اندک کامیابی و توشه‌ای ناچیز تا هنگامی چند».

آنگاه خطاب خداوند را بیان می‌کند که می‌فرماید: «قال فیها تحيون و فیها تموتون و منها تخرجون» (اعراف/ ۲۵): شما در همان زمین پا به عرصه حیات می‌گذارید و در همان زمین می‌میرید و از دل همان زمین، برای محشر، برانگیخته می‌شوید.

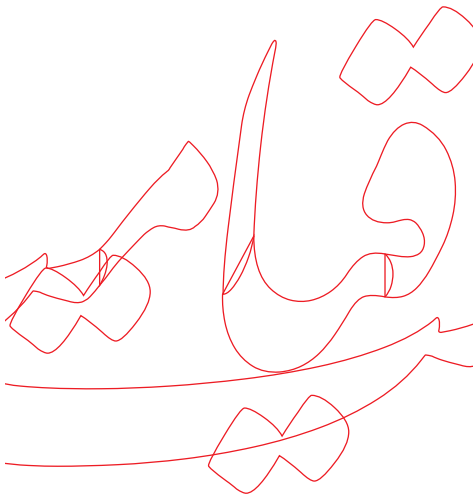
قرآن کریم همین مسئله را در جایی دیگر نیز تکرار می‌فرماید:

«الذی جعل لکم الارض مهذا و سلک لکم فیها سبلا و انزل من السماء ماء فاخرجنا به ازواجنا من نبات شتی* کلوا و ارعوا انعامکم ان فی ذلک لایات لأولی النهی» (طه/ ۵۴- ۵۳): همان خدایی که پهنه زمین را برای شما چون بستری گسترد و برای شما در زمین گذرگاه‌ها و جاده‌ها را سازمان داد و از آسمان بارانی نازل کرد و ما با آن باران جفت‌های گوناگونی از گیاهان را حیات بخشیدیم و از دل خاک برآوردیم. ای مردم، از محصولات زمین بخورید و دام‌هایتان را بچرانید. به یقین در پرورش این نعمت‌ها برای صاحبان خرد نشانه‌هایی از ربوبیت آشکار است.

سپس می‌فرماید: «منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخرى» (طه/ ۵۵) ما شما را از همین خاک زمین آفریدیم و در دل آن شما را بازمی‌گردانیم و برای مرحله بعد، باری دیگر شما را از همان بیرون می‌آوریم.

و باز در جایی دیگر می‌فرماید: «انا نحن نحیی و نمیت و الینا المصیر* یوم تشقق الأرض عنهم سراعا ذلک حشر علینا یسیر» (ق/ ۴۴ و ۴۳): به یقین ما هستیم که جان می‌بخشیم و جان می‌گیریم و بازگشت همگان به سوی ما است. آن روز که زمین به سرعت از فراز آنان شکافته شود- و آن‌ها از زمین بیرون افتند. این رستاخیزی است که بر ما آسان است.

و نیز می‌فرماید: «ثم نفخ فیه اخری فإذا هم قیام بنظرون* و اشرفت الأرض



آنچه از قرآن کریم و روایات اسلامی در این زمینه برمی‌آید، این است که این حادثه به زمین و اطراف آن- در حدود منظومه شمسی- مربوط می‌شود، نه کل کائنات

بهشت و جهنم مکانی خارج از زمین است و بهشتیان و جهنمیان، پس از حسابرسی اعمال و تعیین وضعیت، به جایگاه همیشگی خود برده می‌شوند

بنور ربه‌ها...» (زمر/ ۶۹ و ۶۸): پس در صورت دمیده می‌شود. پس ناگهان یکسره از جا برمی‌خیزند و صحرای قیامت را به چشم می‌نگرند. و زمین با پرتو پروردگارش روشن و تابان می‌گردد... .

این‌ها و آیاتی دیگر، به روشنی از خروج انسان‌ها از دل زمین سخن می‌گویند و نشانه بقای زمین برای برپایی مرحله دوم قیامت هستند، به گونه‌ای که در قیامت، دادگاه عدل الهی روی زمین برپا خواهد شد. البته، چنان که در بحث‌های آتی خواهیم دید، بهشت و جهنم مکانی خارج از زمین است و بهشتیان و جهنمیان، پس از حسابرسی اعمال و تعیین وضعیت، به جایگاه همیشگی خود برده می‌شوند.

ب) وضعیت خورشید

با توجه به بحثی که پیش از این مطرح شد، طبیعی است که بقای خورشید برای بقای زمین لازم است. از این رو، خورشید در حادثه قیامت نابود نمی‌شود، با این همه، دگرگونی بزرگی در آن رخ می‌دهد؛ البته عمر خورشید روزی به پایان خواهد رسید، ولی دانشمندان آن روز را میلیاردها سال بعد دانسته‌اند که با قیامت ارتباطی ندارد. قیامت زمین با معیارهای محدودتری متصور است و ممکن است چند هزار سال بعد باشد، همان‌گونه که براساس پاره‌ای از روایات، آخرالزمان و زمان ظهور امام عصر (عج‌الله تعالی فرجه) به هم نزدیک است.^۱ در قرآن کریم، در میان آیات مربوط به قیامت، تنها دو آیه درباره خورشید وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. «و جمع الشمس و القمر» (قیامت/ ۹): و خورشید و ماه با هم گرد آیند.

براساس آیات سوره قیامت، این امر به مرحله نخست قیامت مربوط است که ماه از مدار زمین خارج می‌شود و به‌طور مستقل با خورشید خواهد بود.^۲

۲. «اذا الشمس كورت* و إذا النجوم انكدرت* و إذا الجبال سیرت» (تکویر/ ۳-۱): آن روز که خورشید به هم در پیچد و آن‌گاه که ستارگان تیره شوند و آن‌گاه که کوه‌ها به راه افتند.

«تکویر» به معنای پیچیدن است. چنانکه

درباره پیچیدن عمامه گفته می‌شود: «كورت العمامه» (تفسیر بیضاوی، ج ۵: ۴۵۶).

همچنان که قرآن کریم درباره شب و روز می‌فرماید: «یکور اللیل علی النهار و یکور النهار علی اللیل...» (زمر/ ۵): شب را روی روز می‌پیچاند و روز را روی شب.

خورشید کره عظیمی از گاز شعله‌ور است. ذرات گاز در آن چنان متراکم است که روی هم از آب هم سنگین‌ترند. گازهای خورشید هرگز آرام ندارند و مانند چشمه‌های آب گرم می‌غلطند، شعله می‌کشند و فوران می‌کنند. امروزه به یاری تلسکوپ‌های کسوف‌ساز، در هر زمان می‌توان پیرایه‌های خورشید را دید. گاه می‌توان چشمه‌های گاز سوزان و پرتاب شدن آن‌ها را تا صدها هزار کیلومتر نظاره کرد. غلطیدن و پرتاب شدن و بازپس‌ریختن گازهای خروشان که خورشید را ساخته‌اند، با گردش مداوم آن‌ها همراه است، زیرا خورشید هم مثل زمین، اما آهسته‌تر، به دور خود می‌چرخد.

حال سؤال این است که این چرخیدن را چگونه می‌توان دریافت؟ پاسخ این است که از مشاهده کلف‌ها یا لکه‌های سطح خورشید می‌توان به این چرخش پی برد. این کلف‌ها بسیار بزرگ‌اند و طول آن‌ها باید از هزار کیلومتر هم بیشتر باشد. در سال ۱۹۴۷ میلادی در سطح خورشید کلفی به وسعت هشت هزار میلیون کیلومتر مربع بود که می‌توانست بیش از هزار کره مانند زمین را در خود جای دهد (آن تری وایت، حیات ستارگان، ۲۳-۲۱).

نظریه رایج درباره اصل کلف‌ها مبنی بر این واقعیت است که چون خورشید جسمی جامد نیست، در طول دوران‌ها در قسمت‌های مختلف آن سرعت‌های متفاوتی ایجاد می‌شود و همین اختلاف سرعت حفره‌های گرداب ماندنی در سطح خورشید ایجاد می‌کند. همان‌گونه که اختلاف سرعت جریان‌های آب بر سطح رودخانه‌ها و جریان‌های پرسرعت دریایی سبب تولید گرداب‌ها می‌شود (ژرژ گامف، پیدایش و مرگ خورشید: ۱۰).

با این وصف می‌توان گفت، منظور از تکویر خورشید در حادثه قیامت پیچشی عظیم در این کره است که بر اثر آن گازهای فراوانی متصاعد می‌شود و با جذب شدن آن‌ها در کرات منظومه، از جمله زمین،

حادثه‌ای که در زمین رخ می‌دهد، موجب ایجاد تبدلی در زمین می‌شود و وضعیت آن دگرگون می‌گردد. سطح زمین از وضع کنونی تغییر می‌کند و حالتی نو به خود می‌گیرد

ب) صیحه

صیحه به معنای فریاد و مهیب ناگهانی است. همچنان که در قرآن کریم آمده است: «و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین» ما ینظرون الا صیحه واحده تأخذهم و هم یخضمون» (یس/ ۴۹- ۴۸): منکران قیامت می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده‌ای که می‌دهید، چه هنگام خواهد بود؟» اینان جز صیحه‌ای یکباره را انتظار نمی‌برند. این صیحه آن‌ها را فرا خواهد گرفت، در حالی که به مخاصمه و بگو مگو مشغول هستند، (در کوچه و بازار و اداره و... به کارهای زندگی و گفت‌وگو مشغول هستند که یکباره و ناگهانی ایشان را فرا خواهد گرفت).

در آیه‌ای دیگر آمده است: «... لا تأتیکم الا بغتة...» (اعراف/ ۱۸۷): قیامت جز ناگهانی به شما نمی‌رسد.

بنابراین، صیحه یک حادثه است؛ یعنی کار جهان با یک فریاد تمام می‌شود. قرآن کریم درباره نتیجه این صیحه و ناگهانی بودن آن چنین توضیح می‌دهد: «فلا یستطیعون توصیة و لا الی اهلهم یرجعون» (یس/ ۵۰): با این شیپور خواب، نه فرصت وصیت دارند و نه به خانه‌های خود، نزد کسان خود، برمی‌گردند.

ج) زلزله

در حادثه قیامت، زلزله به معنای لرزش شدید همه زمین است. براساس آیات قرآن کریم این زلزله حادثه‌ای قطعی و حتمی است. چنانکه می‌فرماید: «یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم» (حج/ ۱): ای مردم، در پیشگاه پروردگار خود تقوا پیشه کنید که محققا زلزله قیامت حادثه‌ای بس بزرگ است.

سپس می‌فرماید: «یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها...» (حج/ ۲): روزی که این حادثه (زلزله) را ببینید، هر شیردهنده‌ای، آن را که شیر می‌دهد رها می‌کند و هر بارداری سقط جنین می‌کند.

مشخص است که این جریان به زندگی

ستارگان نیز تیره به چشم می‌آیند که در آیه بعد به آن اشاره شده است. به هر حال، قرآن کریم هرگز از نابودی خورشید در حادثه قیامت سخن نگفته است. در اینجا ادامه ماجرای قیامت را از حوادثی که برای زمین پیش می‌آید آغاز می‌کنیم و در پایان به موضوع آسمان‌ها اشاره خواهیم کرد.

ج) تبدل در زمین

حادثه‌ای که در زمین رخ می‌دهد، موجب ایجاد تبدلی در زمین می‌شود و وضعیت آن دگرگون می‌گردد. سطح زمین از وضع کنونی تغییر می‌کند و حالتی نو به خود می‌گیرد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «یوم تبدل الارض غیر الارض و السماوات و برزوا لله الواحد القهار» (ابراهیم/ ۴۸): روزی که زمین (و بستر خاک) به غیر از این زمین تبدیل شود، آسمان‌ها نیز تبدیل شوند و - همگان - در پیشگاه خدای یکتای قهار ظاهر گردند.

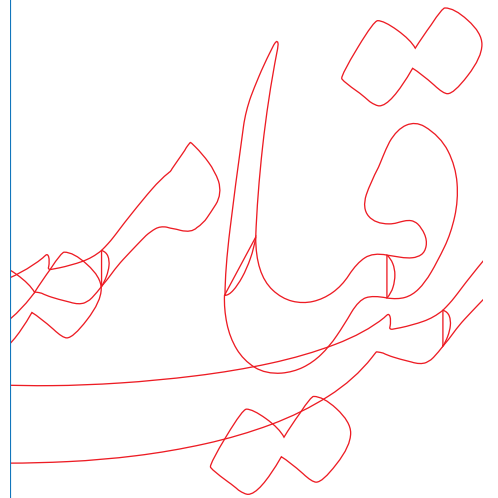
مسئله تبدیل زمین به غیر وضع موجود، در مباحث آینده بررسی خواهد شد. در این حادثه، سطح ظاهری زمین و پوسته آن دگرگون می‌شود و سطح خاک زمین برای بازسازی بدن انسان‌ها و تغذیه آن‌ها تنظیم می‌شود، چنانکه در حدیث آمده است: «ی تبدل خبزا» (ابراهیم قمی، ۱۴۰۴: ۲۳۳) سطح زمین به چیزی شبیه به نان تبدیل می‌شود. اما اینکه چه حادثه‌ای برای زمین رخ می‌دهد، سؤال است که پاسخ آن از لایه‌لای تعابیر قرآن روشن می‌شود.

تعبیر مربوط به حادثه قیامت در قرآن

قرآن کریم با به‌کارگیری تعابیری ویژه، چگونگی حادثه قیامت را بیان می‌کند که در ادامه پاره‌ای از این تعابیر را بررسی می‌کنیم:

الف) نفخ در صور

با توجه به آیات قرآن کریم، نفخ در صور دو مرتبه انجام می‌شود؛ یکبار برای انقراض و بار دیگر برای برپایی دوباره. «صور» به معنای شیپور و «نفخ» به معنای دمیدن است. بدین ترتیب، نفخ در صور به معنای دمیدن در شیپور است. در قرآن کریم ده مرتبه به نفخ در صور اشاره شده است.



«یوم یكون الناس كالفراش المبثوث* و تكون الجبال كالعهن المنفوش» (قارعه / ۵-۴):
روزی که بر اثر کوبش این کوبنده-مردم مثل پروانه‌های پراکنده در هوا می‌گردند و کوه‌ها مثل پشم زده شده خواهند شد

دنیا مربوط است و مادرانی که فرزند شیرخوار دارند، به علت سهمگین بودن این حادثه، سراسیمه می‌شوند و فرزندان خود را رها می‌کنند.

«تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لكن عذاب الله شدید» (حج/۲): و مردم را می‌بینی که مست هستند (و تعادل ندارند)، اما در واقع اینان مست نیستند، این عذاب خداست که سهمگین است.

در سورة زلزال نیز موضوع زلزله قیامت مطرح شده است که بر هر دو مرحله قیامت تطبیق شدنی است.

«اذا زلزلت الارض زلزالها* و اخرجت الارض اثقالها* و قال الإنسان ما لها* یومئذ تحدث اخبارها» (زلزله/۴-۱): آن‌گاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند و انسان گوید: «[زمین] را چه شده است؟» آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید.

د) قارعه

«قارعه» به معنای کوبنده و «قرع» به معنای کوبیدن است. این واژه در سوره‌های قارعه و حاقه آمده است: «کذبت ثمود و عاد بالقارعة» (حاقه/۴). با توجه به این آیه می‌توان دریافت که در ادیان گذشته و نیز درباره قوم حضرت نوح^۳ ماجرای قارعه و حادثه قیامت با همین توصیفات مطرح شده است؛ چراکه قرآن می‌فرماید که ثمود و عاد، قارعه را تکذیب کردند.

«فاما ثمود فاهلکوا بالطاغیة* و اما عاد فاهلکوا بریح صرصر عاتیة» (حاقه/۶-۵): اما قوم ثمود به خاطر سرکشی خود به هلاکت رسیدند و اما عاد به وسیله تندیابی توفنده و سرکش هلاک شدند.

قرآن کریم بحث قیامت را با حالتی هیجان‌برانگیز و سؤال‌برانگیز مطرح می‌کند؛ چنان‌که در سورة قارعه می‌فرماید: «القارعة* ما القارعة* و ما ادراک ما القارعة» (قارعه/۳-۱): کوبنده، این کوبنده چیست؟ و چه می‌دانی که این کوبنده چیست؟

جالب است که قرآن کریم عظمت حادثه قیامت را در قالب سؤال بیان می‌کند و در آخر هم نمی‌گوید که این کوبنده چیست،

اما به نتیجه کوبیدن اشاره می‌کند: «یوم یكون الناس كالفراش المبثوث* و تكون الجبال كالعهن المنفوش» (قارعه/ ۵-۴): روزی که- بر اثر کوبش این کوبنده- مردم مثل پروانه‌های پراکنده در هوا می‌گردند و کوه‌ها مثل پشم زده شده خواهند شد.^۴

زمانی که ضربه‌ای به تار حلاجی زده شود، مقداری پشم یا پنبه در هوا پراکنده می‌شود. سپس این پنبه‌های معلق در هوا آرام آرام و به صورت ریز و درشت روی زمین بازمی‌گردند. این آیه شریف، تلاشی شدن کوه‌ها را به حرکت این ذرات تشبیه کرده است: کوه‌ها با یک ضربه، از زمین به سمت بالا پرتاب می‌شوند و دوباره به زمین برمی‌گردند. این بخش از آیات به مرحله نخست قیامت مربوط است.

قرآن کریم در ادامه ماجرا صحنه دادگاه را این‌گونه بیان می‌کند: «فاما من ثقلت موازین* فهو فی عیشة راضیه* و اما من خفت موازین* فامه هاویة* و ما ادراک ما هیة* نار حامیه» (قارعه/ ۱۱-۶): اما هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود و اما هر که سنجیده‌هایش سبک برآید، پس جاییش «هاویه» باشد و چه دانی که آن چیست؟ آتشی است سوزنده.

درباره قارعه می‌توان گفت که زمین که با سرعت در حال گردش است، با یک جرم بزرگ آسمانی برخورد می‌کند و آن جرم، زمین را می‌کوبد. در این صورت، حادثه‌ای عظیم رخ می‌دهد؛ زیرا سرعت زمین در اثر این برخورد به کندی می‌گراید و قطعات بالایی آن از هم جدا می‌شوند.

این نکته از بدیهیات علم فیزیک است که اگر جسمی که به سرعت در حال حرکت است، به‌گونه‌ای ناگهانی متوقف شود و یا شتاب خود را چند برابر کند، هرآنچه بر سطح آن جسم است، پرتاب می‌شود و روی جسم باقی نمی‌ماند. از آنجا که می‌دانیم مناطق زمین از نظر سرعت حرکت وضعی وضعیت یکسانی ندارند پس اگر زمین ناگهان متوقف شود یا سرعت خود را دو چندان کند، همه چیز از شدت برخورد نابود می‌شود

چهارمین دوره وجودی انسان دوران آخرت است که با حادثه قیامت آغاز می‌شود؛ حادثه‌ای که هیچ دروغ و خلافی در آن نیست و پایان دوران دنیا با آغاز آن هم‌زمان است

سوی خودکامگی باز کند. از این‌رو، با طعنه و استهزا می‌پرسد: «این روز قیامت کی برپا می‌گردد؟» آن روز که - با درخشش شهاب آتشین - چشم‌ها خیره شوند و ماه در خسوف قرار گیرد و ماه و خورشید در کنار هم گرد آیند.

موارد پیش گفته تعبیرهایی هستند که قرآن کریم در بیان حادثه قیامت از آن‌ها نام برده است. البته تعبیر دیگری مانند «الواقعه»، «الحاقه» و «الطامة» هم در قرآن وجود دارند؛ چنان‌که می‌فرماید: «فإذا جاءت الطامة الكبرى» یوم يتذكر الإنسان ما سعى» (نازعات / ۳۵-۳۴): پس آن‌گاه که آن هنگامه بزرگ در رسد، [آن] روز است که انسان آنچه را در پی آن کوشیده است، به یاد آورد. علاوه بر این، تعبیر «الزجره» نیز درباره قیامت به کار رفته است: «فإنما هي زجرة واحدة فإذا هم ينظرون» (صافات / ۱۹): و آن تنها یک فریاد است و بس! و به ناگاه آنان به تماشا خیزند.

خلاصه

چهارمین دوره وجودی انسان دوران آخرت است که با حادثه قیامت آغاز می‌شود؛ حادثه‌ای که هیچ دروغ و خلافی در آن نیست و پایان دوران دنیا با آغاز آن هم‌زمان است.

قرآن کریم دوران قیامت را شامل دو مرحله می‌داند:

مرحله نخست: پایان دوران زندگی دنیا؛ مرحله دوم: حیات دوباره همگانی و برپا شدن صحنه حسابرسی و دادگاه عدل الهی. دامنه حوادث قیامت به زمین و اطراف آن - در حدود منظومه شمسی - مربوط می‌شود، نه کل کائنات.

خورشید هم در حادثه قیامت نابود نمی‌شود، اما دگرگونی بزرگی در آن رخ می‌دهد.

تمامی تعبیر مربوط به حادثه قیامت، همه از یک واقعه حکایت دارند. تعبیرهایی که قرآن کریم برای بیان حادثه قیامت از آن‌ها بهره برده است، عبارت‌اند از: نَفخ در صور، صیحه، زلزله، قارعه، بطش و برق.

و ما با همه کاه‌ها و درختان و کوه‌ها و صخره‌ها و اقیانوس‌ها به جو زمین پرتاب می‌شویم.^۱

پوسته روی زمین حدود ۳۵ تا ۵۰ کیلومتر ضخامت دارد و مانند پوسته تخم‌مرغ روی زمین را پوشانده است. با ضربه‌ای که در حادثه قیامت بر زمین زده می‌شود و به بیانی دیگر، هنگامی که زمین با مانعی جدی روبه‌رو و از سرعت آن کاسته شود، هر کدام از کوه‌ها، در هر طرف که باشند، از همان نقطه از زمین کنده و به فضا پرتاب می‌شوند. در نتیجه، اطراف زمین را صدها کیلومتر قطعات ریز و درشت سنگ و خاک فرا می‌گیرد.

قرآن کریم می‌فرماید: «فإذا نفخ فی الصور نفخة واحدة» و حملت الارض و الجبال فدکتا دكة واحدة» فیومئذ وقعت الواقعه» (حاقه / ۱۵-۱۳): پس آن‌گاه که در صور یکباره دمیده شود و قسمت‌های خاکی - زمین و کوه‌ها از جای خود برداشته شوند و با یک تکان ریزریز گردند، پس در این روز است که واقعه قیامت رخ داده است.

ه) بطش

«بطش» به معنای هجوم خشم‌آگین است. قرآن کریم می‌فرماید: «إن بطش ربك لشديد» انه هو یبدئ و یعید* و هو الغفور الودود» (بروج / ۱۵-۱۳) آری، خشم پروردگارت سخت سنگین است. هم او است که آفرینش را آغاز می‌کند و باز می‌گرداند و اوست آمرزنده مهربان.

و نیز می‌فرماید: «یوم نبطش البطشة الكبرى انما منتقمون» (دخان / ۱۶): آن روز که ما آن حمله بزرگ را پدیدار کنیم، آن‌گاه انتقام کشنده‌ایم.

و) برق

«برق» به معنای نور خیره‌کننده است. این تعبیر در قرآن کریم از انفجاری عظیم حکایت دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «بل یرید الإنسان لیفجر امامه* یسئل إیان یوم القیامة* فإذا برق البصر* و خسف القمر* و جمع الشمس و القمر» (قیامت / ۹-۵): واقعیت این است که انسان می‌خواهد با انکار قیامت راه خود را به

پی‌نوشت‌ها

۱. صبح بن نباتة می‌گوید، از حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام) شنیدم که فرمود: «یظهر فی آخر الزمان و اقتراب الساعة - و هو شر الأزمنة - نسوة...» ر.ک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ج ۳، ص ۳۹۰.
۲. دو حالت متصور است، یکی اینکه ماه و خورشید به هم آمیخته می‌شوند و دیگری ماه به گرد خورشید در حرکت است.
۳. حضرت هود و صالح (علیهم‌السلام) شریعت حضرت نوح (علیه‌السلام) را رواج می‌دادند.
۴. واژه «العین» به معنای پشم رنگارنگ است. باید توجه کرد که کوه‌ها رنگ‌های گوناگون دارند. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۸ ه.ش، ج ۵، ص ۶۴.
۵. ر.ک: محمد فرید وجدی، دایرةالمعارف القرن العشرین «أرض»، «فلك».